

شبکه قلاع کوهستانی مشرف بر مرکز خوره اصفهان و نقش آن‌ها در حیات پایدار اصفهان

علی شجاعی اصفهانی*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۰

چکیده

شناخت آثار ایجادشده در ارتفاعات مشرف بر دشت اصفهان که کنترل پهنه اصفهان به‌ویژه مرکز آن را بر عهده داشته‌اند، به ما کمک می‌کند تا با نگاه جامع بتوانیم وضعیت مرکز خوره اصفهان را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های سرزمین ایران و جهان اسلام موردبررسی قرار دهیم. در مقاله حاضر با کمک از تصاویر ماهواره‌ای و بررسی‌های میدانی هجده نمونه از قلاع و استحکامات مرکز خوره اصفهان که بر رستاق جی اشراف داشته‌اند شناسایی شده است. با شناسایی و بررسی این عناصر هم پیوند در کنار تجزیه و تحلیل منابع مکتوب مشخص گردید قلعه شاه‌دژ تنها قلعه مربوط به دشت اصفهان نبوده و این قلعه در تمامی دوره‌ها اهمیت یکسانی نداشته است. همچنین مشخص شد شبکه قلاع اصفهان با کنترل راه‌ها و ارتباطی که با یکدیگر و با مراکز جمعیتی از طرق مختلف برقرار می‌کردند به‌خوبی امکان تأمین امنیت و یا کنترل ساکنان شعاع دید آن‌ها را داشته‌اند. این آثار که به‌واسطه وضعیت خاص توپوگرافیک دشت اصفهان و ارتفاعات اطراف آن ایجادشده در مکان‌یابی شهرهای اصلی خوره اصفهان یعنی شهر جی و یهودیه و شکل‌گیری شاخصه‌های هر دو شهر نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند که شناخت آن‌ها منجر به فهم بهتری از پهنه باستان‌شناختی اصفهان در دوره‌های مختلف خواهد شد. گرچه فهم زمان ساخت محوطه‌ها و تاریخ‌گذاری دقیق آن‌ها، به‌ویژه وضعیت قلاع در دوران قبل از اسلام، نیاز به انجام کاوش‌های باستان‌شناسی است اما بنا بر منابع مکتوب می‌توان مطرح کرد که محوطه‌ها در دوران اسلامی تا دوران صفویه و شکل‌گیری ایران واحد با فراز و نشیب‌هایی به حیات خود ادامه داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، قلاع کوهستانی، رستاق جی، شهر جی، شهر یهودیه، منظر فرهنگی اصفهان

۱. مقدمه

در مرکز خوره اصفهان شبکه‌ای از قلاع و استحکامات ایجاد شده که از کارکردهای شاخص آن‌ها محافظت از مراکز جمعیتی و راه‌های ارتباطی منتهی به آن‌ها بوده است. این آثار با اشرافی که بر دشت داشته و ارتباطی که با همدیگر در مواقع لزوم برقرار می‌کردند به‌خوبی امکان تأمین امنیت را در محدوده وسیعی از خوره اصفهان به‌ویژه شهرهای جی و یهودیه و راه‌های منتهی به آن‌ها داشته‌اند. قلاع و استحکامات که به‌واسطه شناخت گذشتگان از وضعیت خاص توپوگرافیک دشت اصفهان و ارتفاعات اطراف آن به وجود آمده‌اند در مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه و شکل‌گیری شاخصه‌های هر دو شهر از جمله نام‌گذاری آن به اصفهان به معنای محل سپاهیان نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند (ادامه). در میان شبکه قلاع تنها قلعه شاهدژ به‌واسطه وسعت زیاد و آثار باقی‌مانده مورد توجه قرار گرفته و برخی از دیگر قلاع به‌صورت موردی و منفرد مطالعه شده‌اند. بر این اساس هدف مقاله اخیر شناخت پهنه فرهنگی مرکز اصفهان و چگونگی محافظت از آن است که در مرحله نخست با شناسایی مجموعه قلاع و استحکامات و راه‌های ارتباطی منتهی به مرکز خوره اصفهان و در مرحله بعد با فهم چگونگی اشراف این محوطه‌ها بر هم دیگر و بر نقاط جمعیتی و همچنین تخمین میزان اهمیت آن‌ها در دوره‌های مختلف اسلامی به دست می‌آید. برای رسیدن به این اهداف منابع مکتوب اعم از متون جغرافیایی و تاریخی مورد مطالعه قرار گرفت و هم‌زمان با آن بررسی‌های میدانی به‌منظور شناخت و فهم محوطه‌ها، با کمک از اطلاعات افراد محلی، ابزارهای سنجش‌ازدور و تحلیل‌های GIS انجام شد. برخی از قلاع و استحکامات اصفهان تاکنون به‌صورت موردی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که در میان آن‌ها می‌توان به اثر ارزشمند کارو میناسیان در رابطه با قلعه شاه‌دژ اشاره کرد. علاوه بر این مطالعات دیگری توسط محمد مهریار، علی‌رضا جعفری زند و ژاله کمالی‌زاد در ارتباط با تعدادی از قلاع صورت گرفته که در همگی آن‌ها تنها به یک نمونه و یا آثار یک محدوده از ارتفاعات اصفهان پرداخته شده است (Stern, 1971; Minasian, 1971؛ مهریار، ۱۳۷۹؛ جعفری زند، کمالی زاد، ۱۳۸۱-۱۳۹۰). مطالعه اخیر با پرسش اصلی چگونگی ساختار شبکه قلاع و استحکامات و نقش آن‌ها در حفاظت از شهرهای اصفهان تلاش کرد تا اهداف فوق را محقق کند.

در کوه‌های اطراف رستاق جی هجده محوطه شناسایی و مورد بررسی قرار گرفت که در این نوشته آن‌ها به دو دسته قلاع و استحکامات دسته‌بندی شده‌اند (نقشه ۱). منظور از قلاع کوهستانی فضاهای مفصل مسکونی ایجاد شده شامل اتاق‌ها، آب‌انبارها، برج و دیوارهای دفاعی در بخش مشخصی از کوه بوده و این ساختارها امکان زندگی افراد کثیری را برای مدت طولانی فراهم می‌کرده‌اند. مراد از استحکامات کوهستانی نیز تغییرات ایجاد شده در صخره‌های کوه و مختصر فضاهای ایجاد شده در ارتفاعات شامل دیوارهای منفرد بدون محل اقامت و یا برج منفرد و یا در نهایت یک یا دو اتاق احداث شده برای پذیرش جمعیت محدود بوده که به‌منظور تکمیل کارکردهای شبکه قلاع احداث شده بودند. در شناسایی قلاع و استحکامات با پیمایش در ارتفاعات و استفاده از کروکی آقای کارو اوئن میناسیان (Minsian, Caro Owen, back endpaper)، تحلیل تصاویر ماهواره‌ای کرونا مربوط به سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ میلادی و راهنمایی‌های افراد محلی اعم از کوهنوردان و شکارچیان محل دقیق و چگونگی پراکندگی محوطه‌ها شناسایی شده‌اند. همچنین با تجزیه و تحلیل تصاویر ماهواره‌ای فوق، ارتفاعاتی که پتانسیل ایجاد چنین محوطه‌هایی در آن‌ها وجود داشت مشخص شدند (نقشه ۱).

برای فهم بهتر از پراکندگی قلاع و استحکامات و راه‌های ارتباطی، آن‌ها بر اساس موقعیت جغرافیایی نسبت به رستاق جی در چهار دسته تقسیم شده‌اند (جدول ۱، نقشه ۱). لازم به ذکر است که نبودن ارتفاعات در سمت شمال رستاق جی مانعی در عملکرد قلاع و استحکامات ایجاد نمی‌کرد و موقعیت آن‌ها در دیگر جهات به‌گونه‌ای بود که دشت شمال اصفهان و راه‌های ارتباطی آن به‌خوبی پوشش داده می‌شد. مسیر ارتباطی از شمال به ری منتهی می‌شد که با توجه به بیابانی بودن طول مسیر و استقرار راهزنان عبور از آن در شمار مسیرهای پرخطر به حساب می‌آمد (ابن‌رسته: ۱۵۲؛ اصطخری، ۱۹۲۷: ۲۲۹؛ ابن‌حوقل: ۴۰۴-۴۰۲).

جدول ۱: قلاع و استحکامات مشرف بر مرکز خوره اصفهان

غرب	جنوب غرب	جنوب		شرق
		کوه‌های منفرد	رشته‌کوه ماهدشت	
قلعه آتشگاه	استحکامات تخت‌رستم	قلعه شاه‌دژ	قلعه سختون قلعه	قلعه کوه قهجاورستان
استحکامات کوه عمرکوه	استحکامات کوه سفید	قلعه بزی	استحکامات ایوان دیو	قلعه کوه گورت
غار قهرمان	استحکامات کوه دستگرد		قلعه کوه کلاه قاضی	قلعه کوه چوم
			قلعه تخت صنم‌بر	استحکامات کوه هتن آباد
			برج کنار مسیر آرچینی	
			برج کنار گردنه لاشر	

در مطالعه قلاع و استحکامات در سطح کلان نقش قلاع در محافظت و کنترل مراکز جمعیتی، راه‌های ارتباطی و چگونگی ارتباط آن‌ها با هم‌دیگر و با دشت اطراف آن‌ها بررسی شد و در مقیاس کوچک شناخت وضعیت امروزی محوطه‌ها و ساختارهای مختلف اعم از دیوارها، آب‌انبارها، برج‌ها و اتاق‌ها، مدنظر قرار گرفت. به‌این ترتیب با در نظر گرفتن مجموعه عناصر هم پیوند اعم از قلاع و استحکامات کوهستانی، دشت اصفهان، مراکز جمعیتی و راه‌های ارتباطی تلاش شده تا ساختارهای ایجادشده در پهنه مرکز خوره اصفهان را روشن کرد. در ارتباط با کارکرد کلان قلاع و استحکامات، از یک‌طرف با استفاده از عکس‌های تهیه‌شده در بررسی‌های میدانی و از طرف دیگر استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و مدل‌های ارتفاعی رقومی تهیه‌شده از تصاویر ماهواره‌ای، همچنین به‌کارگیری تابع تحلیلی قابلیت دید در نرم‌افزار *G.I.S* و *Idrisi*، چگونگی امکان برقراری ارتباط بین قلاع و استحکامات موردبررسی قرار گرفت. برای این تحلیل از تصاویر ماهواره‌ای سنجنده استر (*Aster*) و مدل ارتفاعی رقومی استخراج‌شده از تصاویر استر با قدرت تفکیک زمین ۳۰ متر و دقت ارتفاعی ± 18 متر تهیه‌شده توسط سازمان زمین‌شناسی آمریکا (*USGS*) و داده‌های ارتفاعی رقومی برداشت‌شده با شاتل راداری (*SRTM*) توسط *USGS* با قدرت تفکیک زمینی ۹۰ متر و دقت ارتفاعی ± 16 متر استفاده شد. سپس محدوده قابل دید از هر یک از قلاع و استحکامات تا دورترین قلعه یا استحکامات شناسایی‌شده، مشخص شد تا معلوم گردد هرکدام از محوطه‌های شناسایی‌شده با چه تعدادی از دیگر از محوطه‌ها امکان برقراری ارتباط داشته‌اند و اشراف آن‌ها بر مراکز جمعیتی و راه‌های ارتباطی به چه صورت بوده است. برای نمونه محدوده قابل دید از قلعه آتشگاه که نسبت به دیگر محوطه‌ها کم‌ترین ارتفاع را دارد در نقشه ۳ نشان داده شد و مشخص می‌شود

که بنا بر موقعیت کوه امکان اشراف بر بخش عمده‌ای از دشت و ارتباط با دیگر محوطه‌ها فراهم بود که در رابطه با دیگر قلاع و استحکامات نیز صدق می‌کند. چگونگی انجام تمامی این ارتباطات همان‌طور که برخی از شواهد آن در متون تاریخی و جغرافیایی دوره اسلامی در رابطه با اصفهان و دیگر مناطق قابل‌پیگیری است عمدتاً با کمک ایزاری مانند آتش در شب و دود در روز و یا پرندگان صورت می‌گرفت (یاقوت حموی، جلد اول: ۴۳۷-۴۳۸؛ شاردن، ژان، جلد چهارم: ۱۵۷۵؛ سهیل کاشانی: ۱۳۹-۱۳۸، برای استفاده از پرندگان ببیند *Ragheb*). به‌این‌ترتیب در این تحقیق بنیادی با استفاده از روش‌های تحقیق عمدتاً به‌صورت تحلیلی، توصیفی و استدلالی تلاش شده تا بتوان کارکرد قلاع و استحکامات کوهستانی و ارتباط آن با دیگر آثار را مشخص کرد.

۲. واژه اصفهان و امکان ارتباط آن با قلاع و استحکامات کوهستانی

واژه اصفهان، همچون امروز، علاوه بر خوره برای شهرهای اصلی آن یعنی جی در دوران قبل از اسلام تا قرن چهارم قمری و یهودیه از قرن چهارم قمری به بعد استفاده شده است. برای نمونه عنوان "مدینه اصفهان" برای توصیف شهر جی در متون قبل از قرن چهارم قمری به‌کاررفته و از قرن چهارم قمری به بعد نام یهودیه و اصفهان به‌عنوان نام رسمی شهر و یا نامی که در بین مردم رایج بوده شناخته می‌شد (ابن‌رسته: ۱۶۰؛ طبری، جلد چهارم: ۱۴۰؛ کوفی، جلد دوم: ۳۱۵-۳۱۴؛ ابودلف: ۴۱؛ مقدسی: ۷؛ اصطخری، ۱۹۲۷، ص ۱۹۸؛ ترجمه فارسی، ۱۳۴۷، ص ۱۶۴؛ بکران: ۶۷؛ ابن‌اثیر، جلد دوم: ۴۰۱). آنچه در معنی اصفهان دیده می‌شود و زبان شناسان بر آن تأکید دارند معنای سپاه و محل سپاهیان است. در دوره اسلامی نخستین بار حمزه اصفهانی (تألیف قبل از ۳۵۰ قمری) اصفهان را جمع اسپاه و ریشه آن را سپاه دانسته و از آنجاکه اصفهان مرکز سربازان و سواران بوده آن را به این نام معروف دانسته است (حموی، جلد اول: ۲۹۳-۲۹۲). اطلاق نام اسپادانا در نوشته‌های یونانی به‌معنای "کمپ نظامی" یا "کمپ سواره‌نظام" و نام بردن از اصفهان به‌عنوان مرکزی با ارتش حرفه‌ای و مرکز اصلی امپراطوری در غرب فلات ایران در دوره ساسانی دو شاهد شاخص از دوران قبل از اسلام است (Christensen, Peter: 131, 146)؛ در رابطه با اهمیت جایگاه سپاهیان در نظام ساسانی و ریشه‌یابی واژه سپاه (Tafazzuli, Ahmad: 1-7). متون دوره اسلامی نیز اشارات فراوانی به حضور نیرومندترین مردان فارس، فرماندهان نظامی، سپهسالاران و لشکریان در دوره‌های مختلف قبل از اسلام در اصفهان دارند (ابن‌بطوطه: ۲۱؛ ابن‌رسته: ۱۹۶؛ ابن‌فقیه: ۲۶۲؛ حموی، جلد اول: ۲۹۴-۲۹۳؛ ابن‌بلخی: ۴۴؛ مسکویه: ۷۴؛ طبری، جلد اول: ۵۰۹، ۵۱۴). علاوه بر این نام سپاهان به وضوح در قدیمی‌ترین متون تاریخی و جغرافیایی دوران اسلامی که به زبان فارسی نوشته شده برای اصفهان به‌کاررفته و خود آشکارا نشان از معنای آن و ارتباط این خطه با موضوع سپاه و سپاهی‌گری است (ازجمله در تاریخ بیهقی، حدود العالم من المشرق الی المغرب، سفرنامه ناصر خسرو و ترجمه مسالک و ممالک اصطخری). این ویژگی مشخص می‌کند چرا در زمان فتوحات اعراب از اصفهان در مقابل آذربایجان و فارس به‌عنوان سر در برابر بال (دست) تعبیر شده که با از بین بردن سر، بال‌ها توان خود را از دست خواهند داد (بلادری: ۲۹۶؛ ابن‌فقیه: ۴۰۵؛ ابونعیم، جلد اول: ۲۱؛ آوی: ۱۰۹؛ قاضی ابی‌یوسف: ۳۲؛ طبری، جلد چهارم: ۱۴۱؛ مسعودی، جلد دوم: ۳۳۱؛ مسکویه: ۲۴۶). معنای واژه اصفهان و کاربرد آن برای شهرهای اصلی آن از این منظر اهمیت دارد که می‌تواند دلیل تعدد قلاع و استحکامات کوهستانی شناسایی شده در مرکز خوره اصفهان را بیان کند و آن‌ها را به‌عنوان زیرساختی برای امور نظامی و فعالیت‌های مرتبط با سپاهی‌گری موردبررسی قرار دهند. به نظر می‌رسد بررسی ساختار هر کدام از این محوطه‌ها از این منظر و انجام کاوش‌های باستان‌شناختی در آن‌ها می‌تواند شواهدی در رابطه با تأیید این موضوع آشکار کند.

۳. شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی

هر دو شهر جی و یهودیه در رستاق جی واقع شده بودند که بنا بر نوشته‌های جغرافیایی دوران اسلامی از آن به‌عنوان مهم‌ترین رستاق خوره اصفهان نام‌برده شده است (شجاعی اصفهانی، علی، ب: ۷۶-۵۷). قدیمی‌ترین نوشته در این باره مربوط به یعقوبی در کتاب *البلدان*، تألیف ۲۷۸ قمری، و ابن‌رسته در کتاب *الاعلاق / النقیسه*، تألیف بعد از ۲۹۰ قمری، است که جی را اولین و مهم‌ترین رستاق اصفهان نوشته و آب‌وهوای آن را برتر از دیگر مناطق دانسته‌اند و شهر اصلی اصفهان را در آن قرار داده‌اند که پس‌از آن در دیگر نوشته‌ها نیز تکرار شده است (یعقوبی: ۲۷۵؛ ابن‌رسته: ۱۵۲؛ ابن‌حوقل: ۳۶۳؛ مستوفی: ۹۱ ارباب اصفهانی: ۲۱، ۲۹۹-۲۹۶). وضعیت جغرافیایی رستاق جی این امکان را فراهم کرده بود که مهم‌ترین شهر اصفهان یعنی شهر جی و از قرن چهارم قمری به بعد شهر یهودیه در آن واقع شوند (برای اطلاع از محدوده رستاق جی ر.ک. شجاعی اصفهانی، علی، الف: ۴۰-۳۸). از منظر توپوگرافیکی و مورفولوژیکی در این بخش از اصفهان شیب زمین از طرف جنوب به طرف شمال و در مرحله بعد از سمت غرب به سمت شرق بوده است. این موضوع باعث انتقال روان آب‌ها از مناطق کوهستانی جنوبی و غربی به طرف دره زاینده‌رود شده و در نتیجه به بخش شمالی رودخانه از منظر کشاورزی و زیستی اهمیت بیشتری بخشیده است. به‌این‌ترتیب در محدوده رستاق جی و رستاق‌های شرق و غرب آن عمده شبکه‌های آبیاری (مادی‌ها) و زمین‌های کشاورزی در بخش شمالی رودخانه واقع و هر دو شهر جی و یهودیه نیز در بخش شمالی رستاق جی احداث شده بودند (نقشه ۱، ۲).

رستاق جی در سمت جنوب و غرب با ارتفاعات متراکم و در سمت شرق با ارتفاعاتی با تراکم کمتر نسبت به جنوب و غرب محدود شده بود و در سمت شمال آن هیچ ارتفاعی دیده نمی‌شد (نقشه ۱). این موضوع در نگاه جغرافی دانان جهان اسلام یکی از بهترین شرایط را برای رستاق جی فراهم می‌کرد. به‌طوری‌که بنا بر اعتقاد آنان بهترین شهر برای سکونت شهری بود که از سمت جنوب و سپس غرب با ارتفاعات محصور باشد و مانع ورود بادهای مضر و بیماری‌زای جنوب و غرب گردد، در عوض سمت شرق و شمال آن گشاده باشد تا بادهای شرطه از شمال و باد صبا از شرق به‌راحتی در آن جریان داشته باشند (مسعودی: ۲۹؛ ارباب اصفهانی: ۸۹-۸۸، ۳۳۵؛ تحویلدار: ۱۴؛ قره‌چانلو، حسین: ۱۲۷-۱۲۳). چنین برداشتی در کنار وجود رودخانه زاینده‌رود باعث شد که توصیف برتری آب‌وهوای شهرهای رستاق جی در بسیاری از کتاب‌های جغرافیایی دوره اسلامی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی این دو شهر شناخته شود (به‌غیر از تواریخ محلی اصفهان که توصیف مفصل از آب‌وهوای اصفهان دارند می‌توان به این نوشته‌ها اشاره کرد: یعقوبی: ۲۷۵؛ ابن‌رسته: ۱۵۲؛ ابن‌حوقل: ۳۶۳؛ مقدسی: ۳۴، ۳۹۶؛ اصطخری: ۱۹۹؛ ابن‌ندیم: ۳۰۱؛ ناصر خسرو: ۱۶۵، ۱۶۷). در کنار ویژگی‌های جغرافیایی، این کوه‌ها از نظر موقعیت سوق‌الجیشی نیز نقش شاخص داشتند، به‌صورتی که روی آن‌ها آثار قلاع و استحکاماتی قابل‌شناسایی هستند که می‌توانستند امکان ارتباط با همدیگر و تأمین امنیت را برای رستاق جی و رستاق‌های اطراف آن فراهم آورند (نقشه ۱).

۴. قلاع و استحکامات شرق رستاق جی

قلاع و استحکامات شرق رستاق جی در محافظت از شهر جی موقعیت بهتری از دیگر قلاع داشته‌اند. این قلاع در فاصله حدود ۸ تا ۱۲ کیلومتری شهر جی واقع بودند و اشراف کاملی بر شهر و رض آن و همچنین شهر دیگری به نام قه (قه‌جاورستان) در رستاق قهاب که در دوره ساسانی تا ورود اعراب پس از شهر جی به‌عنوان شهر دوم خوره اصفهان محسوب می‌شد، داشته‌اند (ابونعیم، جلد اول: ۲۸) (نقشه ۱). مهم‌ترین عامل برتری قلاع

شرق، وضعیت توپوگرافیکی دشت و ارتفاعات این بخش از خوره اصفهان است که باعث اهمیت بخش شمالی رودخانه نسبت به بخش جنوبی آن شده بود. قسمت جنوبی رود شامل بستر صخره‌ای دامنه کوه صغه و محدوده وسیع دیگری به نام هزاردره در غرب کوه صغه بود که ویژگی اصلی آن یعنی تپه‌های سنگی و بستر سنگلاخ مانع شکل‌گیری زمین‌های کشاورزی و مراکز جمعیتی در محدوده آن می‌شد. همچنین خود دره و رودخانه زاینده‌رود به‌عنوان مانعی طبیعی برای رفت‌وآمد و ورود به قسمت شمال بوده، در نتیجه امنیت بیشتر این بخش را تأمین کرده بوده است. با توجه به دلایل گفته‌شده عمده نقاط مسکونی یعنی شهرها و دیه‌ها از جمله دو شهر جی و قه در دوره ساسانی که از موقعیت آن‌ها مطلع هستیم و همچنین دیه‌های پانزده‌گانه ساسانی که شهر یهودیه را در دوره اسلامی تشکیل دادند همگی در قسمت شمالی زاینده‌رود واقع شده بودند.

در متون تاریخی بلاذری در *فتوح البلدان*، تألیف بعد از ۲۵۵ قمری، در رابطه با فتح اصفهان خبر از حضور اشراف اصفهان در پناهگاه‌ها و مکان‌های مستحکم قهجاورستان داده و پس از او در کتاب *طبقات المحدثین ابوشیخ*، حیات ۲۷۴ تا ۳۶۹ قمری، و *ذکر اخبار اصفهان ابونعیم*، تألیف ۴۲۱-۴۲۰ قمری، به نقل از عبدالله بن بدیل گفته‌شده که در حوادث مربوط به فتح اصفهان، ابوموسی، فاتح اصفهان، در کوه‌های شهر جی "جبال جی مدینه اصفهان" نزول کرد و پس از آن به سمت دیه دارک در فاصله یک‌فرسخی کوه‌های جی حرکت کرده است (بلاذری: ۳۰۶؛ ابی‌شیخ، جلد اول و دوم: ۶۸؛ ابونعیم، جلد اول: ۶۳). با توجه به گفته بلاذری و مشخص بودن محل دارک و فاصله نزدیک آن تا کوه قهجاورستان و گورت (حدود ۹ تا ۱۳ کیلومتر) نسبت به دیگر ارتفاعات، مشخص می‌شود مراد از جبال جی در نوشته فوق همان کوه‌های شرق جی بود و در زمان فتوحات مسلمانان مورد استفاده هر دو طرف جنگ قرار گرفت. پس از آن حادثه دیگری که اهمیت قلاع شرق را روشن می‌کند مربوط به زمان تسلط مرداویج بر اصفهان و آتش‌بازی گسترده او در کوه‌های اصفهان است. در این جشن به مناسبت برگزاری مراسم جشن سده، مرداویج، به سال ۳۲۳ قمری، از پایین تا بالای ("من أسفله إلی أعلاه") کوهی به نام کریم کوه، مشرف بر شهر اصفهان ("کریم کوه المشرف علی أصفهان") بعلاوه دیگر کوه‌ها و تپه‌ها ("بجميع الجبال و التلال التي هناک") آتش‌افروزی کرد، به طوری که در آن از جمع‌آوری و جاسازی هیزم در کوه‌ها و آوردن هیزم به دره زاینده‌رود صحبت شده است (ابن اثیر، جلد هفتم: ۳۳؛ ابن خلدون، جلد دوم: ۱۷۷۴؛ مسکویه، جلد پنجم: ۱۷۷-۱۷۶). در جایابی نام کریم کوه برخلاف آنچه تاکنون راجع به موقعیت و انطباق آن با کوه صغه گفته‌شده (صدرهاشمی، محمد: ۲۲؛ *Genito, Bruno: 25; Minasian, Caro Owen: 47*) می‌توان کریم کوه را یکی از کوه‌های شرق اصفهان یعنی گورت یا جوم که فاصله نزدیک‌تری تا ربض جی داشته‌اند شناسایی کرد. چراکه در این دوران هنوز دیوارهای شهر یهودیه احداث نشده و کوه صغه و قلعه شاه‌دژ اهمیت خود را به‌عنوان مهم‌ترین قلعه اصفهان به دست نیامده بود. همچنین شهر جی موقعیت ممتاز و اصلی خود را به‌عنوان شهر اول اصفهان حفظ کرده بود و کاخ‌های بزرگان خوره اصفهان در سمت شرقی دیوار شهر جی قرار داشت، در این متون از کوه‌های مشرف بر محلی به نام جرین نام‌برده شده است که با توجه به موقعیت جرین در شرق دیوار جی کوه‌های مذکور همان کوه‌های شرق اصفهان هستند (ابن‌حوقل: ۳۶۴-۳۶۳؛ مسکویه، جلد پنجم: ۱۷۸؛ سروشیار: ۷۰۴).

در کوه‌های شرق رستاق جی به‌غیر از برج کوه هتن‌آباد که تنها شواهدی از یک برج منفرد را نشان می‌دهد، سه نمونه دیگر دارای ساختارهای معماری هستند و بقایای تخریب‌شده آنان اعم از آب‌انبار و اتاق و

پلکان باقی‌مانده است. این چهار اثر در فاصله نزدیک یعنی ۲ تا ۵ کیلومتری هم‌دیگر واقع شده و با اشرافی که بر دشت اطراف خود، شامل رستاق‌ها، شهرها و دیه‌ها داشته‌اند به‌خوبی امکان کنترل امنیت و حفاظت از مراکز جمعیتی، ارتباط با همدیگر و دیگر قلاع همچون، قلعه کلاه قاضی در بیشترین فاصله، حدود ۲۲ تا ۳۳ کیلومتر را داشته‌اند (عکس ۱). از فراز هرکدام از این قلاع، شهرهای قهجاورستان و جی، ربض آن‌ها و زمین‌های کشاورزی بین این مناطق قابل‌کنترل بوده و امکان ارتباط و اطلاع‌رسانی با آن‌ها نیز قابل‌تصور است. قلعه قهجاورستان و گورت در محدوده‌ای در حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ مترمربع در ارتفاع بین ۱۷۴۹ تا ۱۸۵۶ متر از سطح دریا واقع شده است. در هر دو قلعه بقایای آبنبار با شواهدی از عایق‌بندی‌های متوالی، اتاق‌ها تخریب‌شده و دیوارهایی که در لبه‌های کوه برای جلوگیری از ورود به قلعه ایجاد شده قابل‌شناسایی هست. نکته قابل‌توجه هموار کردن صخره کوه در بلندترین قسمت قلعه در هر دو قلعه و تراش دادن بخش غربی دیواره کوه در قلعه قهجاورستان مشرف بر رستاق جی است که شاید بتوان دلیل این تغییرات را آماده کردن فضایی برای ایجاد آتش و یا دود به‌منظور برقراری ارتباط با دیگر قلاع و مراکز جمعیتی دانست. موقعیت قلعه کوه جوم در عکس‌های ماهواره‌ای مشخص است اما در حال حاضر به دلیل امنیتی بازدید از آن میسر نیست. تنها ماکسیم سیرو در توصیف کوتاهی امکان برقراری ارتباط از قلعه کوه جوم با دیگر قلعه‌ها از روی آن را مطرح کرده است (*Siroux, Maxime: 237*). برج دیه هتن‌آباد نیز در ارتفاع ۱۷۶۱ متری از سطح دریا در میان کوه‌های گورت و قهجاورستان به ارتفاع فعلی اندکی بیش از ۲ متر واقع شده است. برج در محلی احداث شده که قابلیت دید وسیعی را در اختیار داشته می‌توانسته خلاء دید از قلاع قهجاورستان و گورت را پوشش دهد و ساخت آن به‌طور حتم برای تسهیل ارتباط میان شبکه قلاع و کنترل بیشتر راه‌های ارتباطی این منطقه بوده است.

۵. قلاع و استحکامات جنوب و جنوب غرب رستاق جی

آثار قلاع و استحکامات در کوه‌های جنوب رستاق جی روی کوه صفه، کوه قلعه بزی و رشته‌کوه ماهدشت واقع شده است که این رشته‌کوه به دو بخش اصلی کوه کلاه قاضی و شاه‌کوه تقسیم می‌شود. قلاع و استحکامات این کوه‌ها عبارت‌اند از قلعه شاه‌دژ روی کوه صفه، قلعه بزی روی کوه قلعه بزی، قلعه سختون قلعه و استحکامات ایوان دیو روی شاه‌کوه، قلاع کلاه قاضی و تخت صنمبر روی کوه کلاه قاضی و در بخش کم ارتفاع رشته‌کوه ماهدشت که می‌توان آن را شروع کوه کلاه‌قاضی حساب کرد استحکامات کنار کتل ارچینی و گردنه لاشتر واقع شده‌اند. در جنوب غرب رستاق اصفهان سه نمونه از استحکامات به نام‌های تخت رستم، کوه شیر و کوه دستگرد قابل‌شناسایی است (نقشه ۱).

در میان این قلاع، قلعه شاه‌دژ به‌واسطه اهمیتی که در اشراف بر شهر یهودیه بعد از تبدیل آن به‌عنوان شهر اول خوره اصفهان به دست آورده بود، ساخت‌وسازهای زیادی در آن صورت گرفت و به بزرگ‌ترین و معروف‌ترین قلعه در میان قلاع مرکز خوره اصفهان تبدیل شد که در حال حاضر آثار آن در محدوده‌ای به وسعت ۵۰ هکتار قابل‌بررسی است. اگرچه از قلعه کوه تا شهر جی حدود ۸ کیلومتر فاصله بوده و این مسافت برابر با فاصله کوه‌های شرق رستاق جی است اما با توجه به اهمیت قلاع شرق رستاق جی در دورانی که شهر جی شهر نخست اصفهان بوده نمی‌توان نقشی شاخص‌تر از بقیه قلاع در محافظت از شهر جی برای آن در نظر

گرفت. شاخصه کوه در این دوران علاوه بر تسهیل ارتباطات در میان قلاع، ارتفاع زیاد آن در بین دیگر کوه‌های شرق و غرب رستاق جی و بستر هموار و وسیعی بود که کوه برای استقرار و ساخت‌وساز فراهم می‌آورد.

با فروپاشی شاهنشاهی ساسانی، سقوط قدرت مرکزی و ورود اعراب، تغییراتی در مرکز خوره اصفهان از قبیل تخریب شهر قه، تجمع جمعیت در شهر جی و گسترش حومه آن و درنهایت ایجاد شهر یهودیه و افزایش جمعیت اصفهان به وجود آمد (ابونعیم، جلد اول: ۱۵، ۲۸؛ شجاعی اصفهانی، ب: ۶۳-۶۱، در رابطه با افزایش جمعیت شهر یهودیه ر.ک. (Kamaly, Hossein: 3; Bulliet, Richard W.: 73) این حوادث به تدریج باعث اهمیت یافتن کوه صغه و قلعه شاه‌دژ گردید به شکلی که کوه به واسطه اشرف مناسب بر حومه گسترش یافته شهر جی و شهر جدید یهودیه که در مقابل آن واقع بود ("مقابله لبلده اصفهان")، موقعیت شاخصی نسبت به دوران قبل به دست آورد (ابن قلاسی: ۱۵۳) (عکس ۲)، درنهایت در دوره سلجوقی ساخت‌وساز زیادی در قلعه دز کوه انجام و با تغییر نام به شاه‌دژ به مهم‌ترین قلعه در پایتخت حکومت تبدیل شد (ظهیرالدین نیشابوری، ۲۰۰۴: ۳۰، ۴۶؛ همو، ۱۳۹۰: ۳۲، ۴۰؛ راوندی: ۱۵۶). این موضوع می‌تواند ثابت کند که چرا برخلاف قلعه خان‌لنجان و آتشگاه که در نوشته‌های قبل از دوره سلجوقی نشانه‌هایی از آن‌ها به دست می‌آید، هیچ شاهدی از قلعه شاه‌دژ دیده نمی‌شود و مورخین تنها بعد از ساخت‌وساز گسترده ملک‌شاه سلجوقی نام آن را در نوشته‌های خود وارد کرده‌اند.

ابن اثیر نیز در حوادث سال ۴۹۴ قمری با تأکید بیان کرده که این قلعه قدیمی نیست و توسط سلطان ملک‌شاه و با مخالفت خواجه نظام الملک طوسی ساخته شده است ("و هذه القلعة لم تكن قديماً و إنما بناها السلطان ملک‌شاه") (ابن اثیر، جلد هشتم: ۴۵۱). شاید بتوان دلیل مخالفت خواجه را اطلاع او از سابقه حضور گروه‌های مخالف در این مکان و امکان دستیابی آن‌ها بر قلعه و مشکلاتی که با تصرف چنین قلعه مستحکمی برای حکومت پیش می‌آمد دانست (نظام الملک طوسی: ۲۵۶، ۲۸۱-۲۸۰، ۳۰۶-۳۰۳). طبق پیش‌بینی او بعد از مرگ ملک‌شاه، احمد بن عطاش از رهبران جنبش اسماعیلی موفق به تصرف قلعه ("ملک قلعه اصفهان") شد (ابن اثیر، جلد هشتم: ۴۵۲). پس از آن یاران او شروع به گرفتن مال، قتل افراد و غارت راه‌ها کردند ("قطع الطريق، أخذ الأموال و قتل من قدروا علی قتله") (همان: ۴۵۱، ۵۴۲) و موفق به دریافت مالیات از قریه‌های سلطان و زمین‌های مردم شدند. موضوعی که باعث اشکال در سیستم مالیات‌ها و کاهش درآمد سلطان و عدم امنیت شده بود (عمادالدین اصفهانی، ۱۹۸۰: ۸۸) و به فهم کارکرد قلعه شاه‌دژ در تسلط بر شهر ("متسلطه علی سریر ملکه") (ابن اثیر، جلد هشتم: ۵۴۲) و کنترل راه‌ها کمک می‌کند. درنهایت سلطان محمد سلجوقی پس از سال‌ها مبارزه موفق به تصرف و تخریب قلعه گردید، فتح قلعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قلاعی که اسماعیلیان در قلب حکومت سلجوقی در آن جاگرفته بودند به یکی از مهم‌ترین حوادث در دوران او، پادشاهی سلجوقیان و در کل جهان اسلام تبدیل گردید تا جایی که سر احمد بن عطاش و پسرش به بغداد نزد خلیفه فرستاده شد و علاوه بر این فتح‌نامه مفصلی بابیان جزئیات برای خواندن بر منابر و اطلاع یافتن مردم از این واقعه نوشته و اشعاری در مدح سلطان و اقدام او سروده شد (ابن قلاسی: ۱۵۶-۱۵۱؛ ابن اثیر، جلد هشتم، ص ۵۴۴؛ ایران‌شاه بن ابی‌الخیر: ۱۳-۹).

با اهمیت پیدا کردن شهر یهودیه و کوه صغه در داخل شهر ساخت قلعه طبرک یا قلعه شهر و شروع شده و از فراز هر دو محل امکان برقراری ارتباط با یکدیگر وجود داشته است. قلعه طبرک در گوشه جنوب غربی

دیوار یهودیه، قرار داشته که اکنون تنها شواهد خندق آن باقی‌مانده است (دلواله، پییترو، جلد دوم: ۹۷۹؛ شاردن، ژان، جلد چهارم: ۱۵۰۴؛ هولستر، ارنست: ۵؛ رزم آرا، علی: ۵۱؛ طهرانی، سید جلال‌الدین: ۱۴۱) (نقشه ۲). اما در نقشه‌ها و عکس‌های مربوط به دوران قاجار تا زمان مطالعات خانم لیزا گلوبیک شواهدی از ساختمان‌ها و دیوارهای بیرونی آن ثبت شده است (Golombek, Lisa: 20؛ مهریار، محمد و دیگران: ۱۷۰، ۱۷۳). ساخت قلعه طبرک و مکان‌یابی آن در گوشه جنوب شرق شهر یهودیه را می‌توان از مناظر مختلف مورد بررسی قرارداد. وجود دو چشمه باقرخان و پاقلعه در شرق و غرب قلعه که امروز نیز محل آن‌ها مشخص است به‌عنوان محل مناسب برای احداث خندق می‌تواند یکی از عوامل ساخت قلعه باشد (ارباب اصفهانی: ۱۰۶؛ شفقی، سیروس: ۱۷۹-۱۷۸). علاوه بر این قرار دادن قلعه در گوشه شهر و خارج از آن بازگوکننده شاخصه بیگانه و غریبه بودن امرای شیعی آل‌بویه در ارتباط با جامعه محلی سنی مذهب است (Durand-Guédy, David: 32). اما این‌که چرا گوشه شرقی شهر برای این کار انتخاب شد را می‌توان نزدیک بودن آن با شهر جی و ربض توسعه‌یافته آن در دوره اسلامی دانست که رفت‌وآمد و کنترل آن مناطق از سمت شرق راحت‌تر صورت می‌گرفته است.

اهمیت قلعه به‌گونه‌ای بوده که با در دست داشتن آن امکان در اختیار گرفتن شهر یهودیه و فرمانروایی برای مدعیان قدرت فراهم می‌شده است (برای نمونه در ابن‌اثیر، جلد هشتم: ۳۶۰؛ کتبی، محمود: ۱۲۳). همچنین قلعه محل نگهداری از خزانه سلطنتی و زندان شاهزادگان و بزرگان نیز بوده است و تا دوره صفویه چنین کارکردهایی را می‌توان دنبال کرد (عمادالدین اصفهانی، ۱۹۸۰: ۱۴۳ و ۱۴۴؛ شاردن، ژان، جلد چهارم: ۱۵۰۴-۱۵۰۹؛ دلواله، پییترو، جلد دوم: ۹۷۹). درنهایت با توجه به دیوارهای قلعه که در زمان متروکه شدن و تخریب بین ۱۵ تا ۲۰ متر ارتفاع داشته (هولستر، ارنست: ۷۹؛ Beaudouin, Eugène Elie: 14)، اشراف کاملی از قلعه شاه‌دژ (واقع بر کوه صفا) بر قلعه طبرک و همین‌طور دید مناسبی از قلعه طبرک بر قلعه شاه‌دژ وجود داشته است و امرای دیلمی و پس‌از آن سلجوقی با ایجاد و توسعه این استحکامات در بخشی از دشت اصفهان و کوه صفا امکان برقراری ارتباط میان این دو محل را فراهم آورده و کنترل کاملی بر رستاق جی، شهر یهودیه و راه‌های ارتباطی آن به دست آورده بودند (نقشه ۲).

متون مرتبط با تاریخ دوره سلجوقی در اختیار داشتن قلعه شاه‌دژ در دست یاران عطاش را مطرح کرده‌اند و ابن‌اثیر نیز دو قلعه شاه‌دژ و خان‌لنجان را در تصرف اسماعیلیان نوشته است. اما با بررسی دقیق در متون دوره سلجوقی می‌توان شواهدی یافت که نشان از در اختیار داشتن تعداد بیش از دو قلعه در دست اسماعیلیان است. برای نمونه عمادالدین اصفهانی از فتح قلاع ملاحظه توسط سلطان محمد سلجوقی خبر داده است و یا به نوشته *مجملة التواریخ و القصص* در زمان ملک‌شاه "به اصفهان مذهب باطنیان تازه کرده بودند و به هر جای دعوی کردند و قلعه‌های محکم به دست آوردند" (ناشناس، ۱۳۸۹: ۴۰۸؛ عمادالدین اصفهانی، ۱۳۷۷: ۲۴۲). در کنار این نوشته‌ها با توجه به پراکندگی قلاع، موفقیت اسماعیلیان در کنترل راه، اخذ مالیات، دعوت مردم و مبارزه هفت‌ساله با سلطان محمد سلجوقی به‌طور حتم آن‌ها در قسمت جنوب و جنوب غرب بیش از دو قلعه در دست داشته‌اند. در صورتی‌که قلاع کوه کلاه قاضی را به خاطر بعد مسافت خارج از تسلط اسماعیلیان بدانیم، فاصله نزدیک میان قلعه شاه‌دژ و استحکامات تخت‌رستم، کوه سفید و دستگرد از یک‌سو و قلعه خان‌لنجان با سختون قلعه و استحکامات ایوان دیو از سوی دیگر نشان از در اختیار داشتن این قلاع است و نمی‌توان پذیرفت که تنها قلعه شاه‌دژ و خان‌لنجان در اختیار عطاش و دیگر قلاع کم‌اهمیت‌تر در دست

حکومت سلجوقی باشد (نقشه ۱). مهم‌ترین قسمت قلعه شاه‌دژ یعنی ارگ مرکزی روی صفه‌ای به طول ۱۵۰ و عرض ۱۵ تا ۲۰ متر قرار دارد (Minasian, Caro Owen: 21) و از آنجا اشراف کاملی بر دشت اصفهان و دو شهر جی و یهودیه و حومه آن‌ها، همچنین قلاع جنوب غرب، شرق و جنوب شرق شهر یهودیه و راه‌های منتهی به شهر وجود داشته است (نقشه ۲؛ عکس ۲). به این ترتیب صفه مسطح کوه در یکی از مرتفع‌ترین نقاط و پرتگاه غیرقابل نفوذی که از سمت شمال و شرق ایجاد شده بود، در کنار موقعیت خاص گفته شده عامل انتخاب این قسمت به عنوان ارگ مرکزی قلعه بود (در رابطه با آثار شناسایی شده در قلعه شاه‌دژ ر.ک. Minasian, Caro Owen: 21-50؛ جعفری‌زند، علی‌رضا: ۱۸۷-۱۶۵؛ شجاعی اصفهانی، علی، الف: ۲۴۷-۲۴۴).

علاوه بر قلعه شاه‌دژ نام قلعه بزی نیز در نوشته‌های تاریخی به نام قلعه خان‌لنجان ذکر شده است که ساخت‌وساز در آن مربوط به قبل از دوره سلجوقی است (ابن‌حوقل: ۳۶۵؛ مسکویه، جلد پنجم: ۳۱۵؛ یاقوت حموی، جلد دوم: ۳۹۴؛ در رابطه با وضعیت قسمت‌های مختلف قلعه بزی ر.ک. Stern, S. M.: 53-57؛ کمالی زاد، ژاله: ۷۴-۶۳) (نقشه ۱). این قلعه در رستاق لنجان از مهم‌ترین رستاق‌های خوره اصفهان واقع شده و تا شهر یهودیه ۷ تا ۹ فرسخ فاصله داشته است (ابن‌حوقل: ۳۶۵؛ ابن‌رسته: ۱۵۳) در این رستاق علاوه بر قلعه بزی قلعه دیگری نیز به نام سختون قلعه وجود دارد که از نظر وسعت تقریباً باهم برابری می‌کنند اما با توجه به توصیف ابن‌حوقل در کتاب *صوره الارض*، تألیف بعد از ۳۶۷ قمری، از قلعه خان‌لنجان که قدیمی‌ترین نوشته در رابطه با آن است می‌توان با اطمینان نام قلعه بزی کنونی را با قلعه خان‌لنجان منطبق دانست. ابن‌حوقل در شرح قلعه آورده است: «لها [خان‌لنجان] قلعه عظیمه و هی خزانه لأمرانهم تشرف علی خان‌لنجان و نواحیها الی قرب اصفهان» (ابن‌حوقل، ۱۹۳۹، ص ۳۶۵). بنابراین با توجه به اشراف قلعه بزی بر سمت شهر اصفهان و دشت لنجان دارد و اشراف سختون قلعه تنها بر دشت لنجان مشخص می‌شود مراد از قلعه خان‌لنجان همان قلعه بزی امروزی است. در قبل از دوره سلجوقی ابن مسکویه در *تجارب الامم*، تألیف قرن چهارم قمری، خبر از دو نبرد میان فرمانروایان آل‌بویه با مهاجمان در رستاق لنجان در سال‌های ۳۴۰ و ۳۴۳ قمری داده که در نبرد دوم نام قلعه خان‌لنجان به عنوان یکی از قلاعی که در دست فرمانروایان آل‌بویه بود برده شده است (مسکویه: ۳۰۵-۳۰۴، ۳۱۵). پس از آن در دوره سلجوقی و تا قبل از سال ۴۹۴ قمری، قلعه توسط نماینده فرزند نظام‌الملک، وزیر ملک‌شاه، یکی از مهم‌ترین رجال مملکت اداره می‌شد که نشان از اهمیت و موقعیت استراتژیک آن دارد (ابن‌اثیر، جلد هشتم: ۴۵۳؛ ابن‌خلدون، جلد اول: ۱۴۹۶). در این دوران و در حوادث سال ۴۹۴ قمری ابن‌اثیر خبر از تصرف قلعه خان‌لنجان پس از قلعه شاه‌دژ توسط ابن عطاش داده است (ابن‌اثیر، جلد هشتم: ۴۵۳). به این ترتیب با توجه به اینکه اسماعیلیان در همین سال‌ها قلعه‌هایی را نیز بین فارس و خوزستان در دست داشتند، می‌توان تصور کرد تصرف قلعه خان‌لنجان نقش مهمی در توسعه شبکه ارتباطی آن‌ها داشت (همان، جلد هشتم: ۵۳۵؛ ویلی، پیتر: ۱۳۷). پس از فتح، قدرت ابن عطاش به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافت و توانست مالکیت زمین‌های بسیاری را در دست بگیرد، تا آنجا که به نوشته مورخین سنی مذهب باعث "ویرانی ولایت" گردید (ابن‌اثیر، جلد هشتم: ۵۳۵؛ عماد الدین اصفهانی، ۱۹۸۰: ۸۹). نهایتاً در نبرد سلطان محمد سلجوقی با اسماعیلیان و قبل از محاصره کامل شاه‌دژ در سال ۵۰۰ یا ۵۰۱ قمری، قلعه خان‌لنجان تخریب شد (ابن‌اثیر، جلد هشتم: ۵۴۴-۵۴۳).

قلعه خان‌لنجان به فاصله ۱۱ تا ۱۲ کیلومتری شمال قلعه سختون قلعه و استحکامات ایوان دیو در کوه شاه‌کوه واقع شده است و از فراز دو محل مذکور، امکان برقراری ارتباط با قلعه خان‌لنجان وجود داشت. بعلاوه

مسیر ارتباطی اصفهان به ولایات فارس و خوزستان از دشتی به پهنای تقریبی ۱۱ کیلومتر میان این دو کوه عبور می‌کرد، وضعیت توپوگرافیکی منطقه و موقعیت کوه‌ها و دشت‌ها در کنار اشارات متون جغرافیایی امکان تردد را تنها از طریق آن فراهم می‌آورد (نقشه ۱). بنابراین همان‌طور که در رابطه با در اختیار داشتن بیش از دو قلعه در دست اسماعیلیان اشاره شد، بررسی قلاع خان‌لنجان نیز به‌خوبی نشان می‌دهد که اسماعیلیان با در دست داشتن تمامی این قلاع و در نتیجه تسلط کامل بر منطقه موفق به پیشبرد اهداف خود در ناامن کردن راه‌ها و در اختیار گرفتن زمین‌های اربابی شده بودند. علاوه بر این قلعه خان‌لنجان به‌واسطه قلعه کلاه قاضی امکان ارتباط با شهرهای جی و یهودیه را داشته و با اشراف بر گردنه دهرسرخ و مسیر ارتباطی اصفهان و لنجان به‌خوبی امکان کنترل رفت‌وآمد را داشته است.

قلعه سختون قلعه و استحکامات ایوان دیو بر دامنه جنوبی کوه شاه کوه در بخش غربی رشته‌کوه ماهدشت واقع شده است (نقشه ۱). بقایای سختون قلعه در ارتفاع ۱۸۴۰ تا ۱۹۰۰ متری از سطح دریا در محدوده‌ای به وسعت ۲/۵ هکتار باقی‌مانده است. در منتهای قسمت شمال غرب قلعه و روی بلندترین صخره کوه، آثار قابل توجهی از ساخت‌وساز با استفاده از سنگ و ملات ایجاد شده که از فاصله دور تداعی‌کننده برجی در قلعه بوده و به نظر می‌رسد از این محل به‌خوبی امکان ارتباط با دشت لنجان و دو قلعه خان‌لنجان و کلاه قاضی وجود داشت. در قلعه آثار بیش از ۷۰ اتاق تخریب‌شده به ابعاد مختلف با استفاده از سنگ و به‌صورت خشکه‌چین باقی‌مانده و در دورتادور صفه‌ای که قلعه روی آن ساخته شده است شواهدی از یک دیوار با استفاده از لاشه‌سنگ و ملات دیده می‌شود. همچنین چشمه دره نی در فاصله کمتر از یک کیلومتری به‌طور حتم یکی از منابع تأمین آب در قلعه بود. ایوان دیو در فاصله ۱۱ کیلومتری شمال قلعه بزی در یکی از شکاف‌های طبیعی کوه به شکل سکویی به طول بیش از ۲۰ متر و ارتفاع حدود ۵/۵ متر باقی‌مانده است (نقشه ۱). شکاف در محلی از شاه‌کوه قرار گرفته که کوه قلعه بزی کاملاً در روبروی آن واقع شده است و به‌خوبی و بدون هیچ مانعی از آنجا دیده می‌شد. موقعیت این محل و ساخت‌وساز صورت گرفته در آن به‌گونه‌ای بود که برای آن کارکرد دیگری به‌غیر از تکمیل شبکه قلاع قابل تصور نیست و از این محل به‌عنوان یکی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و پشتیبانی برای کمک به قلعه خان‌لنجان استفاده می‌شد. وجود چنین ساختارهایی در کوه آشکارا نشان می‌دهد که قلاع و استحکامات کوهستانی در مدیریت و حفاظت از مناطق به‌تنهایی امکان تسلط کامل را نداشته و برای کنترل و تسلط کامل ناگزیر قلعه نشینان می‌بایستی از قلاع و یا استحکامات دیگری کمک می‌گرفتند.

دو قلعه کلاه قاضی و تخت صنمبر بر کوه کلاه قاضی در بخش شرقی رشته‌کوه ماهدشت ساخته شده‌اند (نقشه ۱؛ عکس ۳-۴). خرابه‌های قلعه کلاه قاضی در بلندترین نقطه کوه در ارتفاع ۲۵۲۳ متری از سطح دریا به وسعت حدود ۱۰۰۰ مترمربع باقی‌مانده که در میان قلعه‌های مطالعه شده در بالاترین ارتفاع قرار گرفته است. قلعه در منطقه‌ای کاملاً کوهستانی ایجاد شده و برخلاف دیگر قلاع رفت‌وآمد به آن حتی برای ساکنین و کسانی که به وضعیت قلعه آشنا بودند نیز سخت و زمان‌گیر بوده است. همچنین، اندک فضای مسطح قله کوه اجازه ساخت‌وساز زیاد و در نتیجه حضور جمعیت وسیع را نمی‌دهد، این در صورتی است که در پایین قله در ارتفاعات ۲۳۷۰ تا ۲۳۹۰ متری کوه امکان ایجاد ساخت‌وساز به‌مراتب وسیع‌تر و رفت‌وآمد راحت‌تر مهیا بوده است و اگر قلعه سازان اندیشه‌ای به‌غیر از تکمیل زنجیره شبکه ارتباطی قلاع و پیام‌رسانی را داشتند،

می‌توانستند استحکامات خود را در این محل احداث کنند. از روی قلعه کلاه قاضی به‌خوبی دشت‌های اطراف و مسیر منتهی به شهرهای اصفهان مشخص است و ساکنان قلعه اشراف کامل بر رفت‌وآمدهای این مسیر داشته‌اند (عکس ۳). ساختمان‌های قلعه با استفاده از سنگ و ملات و یا به‌صورت دست‌کند ساخته شده‌اند و در حال حاضر به‌غیر از یکی از دیوارهای قسمت شمالی که نشان از فضایی دوطبقه دارد مابقی کاملاً تخریب شده و سطح کوه پوشیده از آوار ملات و سنگ‌های به‌کاررفته در ساختمان‌های قلعه است.

قلعه تخت صنمیر در فاصله ۴ کیلومتری (به خط مستقیم) شمال غرب قلعه کلاه قاضی و در ارتفاع ۱۸۰۰ متری از سطح دریا، واقع شده است. از دلایل مکان‌یابی آن وجود رشته‌کوهی به نام "میان کوه" در شمال کوه کلاه قاضی بود که تنها در محدوده قلعه کاهش ارتفاع پیدا می‌کند و امکان دید بر قلاع شاه دژ و کوه چوم در غرب و شرق، استحکامات رشته‌کوه ماه‌دشت و همچنین دشت منتهی به شهرهای اصفهان و مسیر جنوب را برای ساکنان قلعه فراهم می‌کرد. از دیگر مواردی که این موضوع را تأیید می‌کنند شناسایی پنج برج به فاصله ۲۰ تا ۲۵ متری همدیگر است که فقط در سمت شمال و شرق یعنی به سمت کوه‌های چوم و صغه قرار گرفته‌اند و از فراز آن‌ها امکان برقراری ارتباط فراهم بود. وسعت قلعه در حدود ۱ هکتار و شامل دیوارها و اتاق‌هایی از جنس سنگ و ملات و خشت است و مرتفع‌ترین بخش قلعه که می‌توان آن را بخش اصلی قلعه نامید تمامی با آوار خشت و سنگ پر شده است (عکس ۴). در شرق قلعه چشمه‌ای به نام چشمه بیده جریان دارد و به‌احتمال قوی از منابع اصلی تأمین آب ساکنان قلعه بوده است.

علاوه بر دو قلعه مذکور در محل‌هایی از رشته‌کوه ماه‌دشت که ارتفاع کوه‌ها کمتر از دیگر نقاط است و برای رفت‌وآمد مناسب بود برج‌هایی به‌صورت مدور از سنگ و ملات ایجاد شده بوده که دو نمونه از آن‌ها مشرف بر مسیرهای معروف به ارچینی و لاشتر به ارتفاع ۵ تا ۷ متر و قطر بیش از ۱۰ متر باقی‌مانده است (نقشه ۱). این برج‌ها امکان کنترل مؤثر رفت‌وآمد در مسیرهای جنوب و جنوب غرب را فراهم می‌کردند. در کوه‌های جنوب غرب رستاق جی آثار اندکی از سه محوطه باقی‌مانده است (نقشه ۱)، در میان آن‌ها استحکامات تخت‌رستم به‌واسطه اینکه در سفرنامه‌های دوره صفوی ذکر شده شناخته شده‌تر از بقیه بوده و شامل یک برج مربع شکل به ابعاد حدود ۴ در ۴ متر بوده که در حال حاضر تنها شالوده سنگی آن باقی‌مانده است (تاورنیه، ژان باتیست: ۳۷۸؛ یوزو کچیان، ورتانس: ۷۳؛ *Gemelli Careri, vol.2: 88; Kaempfer, Engelbert: 196; Bruyn,* ۱۸۰۰؛ *Cornelis de, Vol. 4, Fig. 125, 126; Bell, John Lange Lorenz, Vol.1: 125*) وسعت آثار بیش از دو محل دیگر است و شواهد آوار در فضایی کمتر از ۱۰۰۰ مترمربع خبر از ساختمان یا ساختمان‌های روی کوه می‌دهد که اکنون اثری از آن‌ها نیست. تنها شاهد معماری ایجاد پله‌های سنگی برای رفت‌وآمد به سطح کوه است. در کوه دستگرد در شمال این دو محل نشانه‌هایی از صخره‌های مسطح شده در زیر توده‌های آوار و آثار جاده‌ای به عرض ۱/۵۵ سانتی‌متر در بدنه کوه ثبت شده بود، اما در حال حاضر به‌واسطه ساخت‌وساز جدید شواهد از بین رفته و امکان بررسی و شناسایی دیگر آثار احتمالی غیرممکن شده است (جعفری‌زند، علی‌رضا: ۱۸۸). از ویژگی‌های بارز کوه‌های جنوب غرب علاوه بر ارتباط با دیگر قلاع و استحکامات، اشراف بر مراکز جمعیتی و به‌طور خاص مسیر جنوب غرب بوده است (نقشه ۳).

۶. قلاع و استحکامات غرب رستاق جی

در غرب رستاق جی و در رستاق ماربین، قلعه آتشگاه (ماربین) و استحکامات کوه عمر کوه و غار قهرمان واقع شده است (نقشه ۱)، از شاخصه‌های اصلی قلاع و استحکامات این قسمت قرار گرفتن آن‌ها در مسیر ارتباطی بغداد-خراسان و مرتبط کردن اصفهان با شاهراه مذکور بوده است به‌همین دلیل به نظر می‌رسد با بررسی در کوه‌های این محدوده شواهد دیگری از قلاع و استحکامات را بتوان مورد شناسایی قرار داد (شجاعی اصفهانی، الف: ۱۵۹-۱۵۶). مهم‌ترین محوطه در این بخش قلعه آتشگاه بوده که در قدیمی‌ترین متون دوران اسلامی با تاریخی مربوط به دوران اساطیری نام آن قابل پیگیری است (ابن خردادبه: ۲۰؛ ابن‌رسته: ۱۵۳؛ حمزه اصفهانی: ۲۸؛ مسعودی، جلد دوم: ۲۳۸؛ ابن‌حوقل: ۳۶۵؛ آوی: ۹۵؛ مستوفی: ۹۲). ابن‌رسته محل قلعه را بر سر کوهی مشرف بر دره زاینده‌رود و تمام رستاق‌ها ("جمع الرستاق") نوشته است (ابن‌رسته: ۱۵۳)، این موقعیت خاص باعث گردیده تا باوجود کمترین ارتفاع در میان دیگر قلاع و استحکامات بررسی شده، اهمیت ویژه‌ای پیدا کند و از فراز کوه، ارتفاعات شرق از قهجاورستان تا جوم و ارتفاعات جنوب یعنی کوه صغه، تخت‌رستم و دستگرد و همچنین کوه‌های شمال و شمال غرب ماربین از جمله ارتفاعات کوه عمر به‌خوبی قابل دیدن باشد (سیرو برای برج خشتی روی قله نقش مخابراتی قائل بوده که از طریق کوه چوم و کوه میل تا نزدیکی‌های ناین را تحت پوشش قرار می‌داده است. ر.ک. سیرو، ماکسیم، "آتشگاه اصفهان"، ص ۱۶۸) (نقشه ۳). قدیمی‌ترین شاهد استفاده از قلعه ماربین در دوران اسلامی مربوط به نبردهای فتح خوره اصفهان بود که از قلعه ماربین به‌عنوان یکی از پناهگاه‌های مردم اصفهان نام‌برده شده است. پس‌از آن در قرون چهارم و پنجم و دوران تیموری و صفوی شواهدی نام قلعه در شرح مبارزات قابل‌ردیابی است (بلادری: ۳۰۶؛ آوی: ۱۱۳؛ حافظ ابرو، جلد دوم: ۳۳۸، ۳۴۱؛ ناشناس، ۱۳۵۰: ۱۶۴، ۱۷۰، ۴۷۶). در فاصله ۹/۶ کیلومتری شمال غرب آتشگاه کوهی منفرد بانام کوه عمر قرار دارد که از بالای آن، کوه‌های صغه، آتشگاه، گردنه آب نیل، کوه تخت‌رستم و قله کلاه قاضی و همچنین غار قهرمان دیده می‌شوند و امکان برقراری ارتباط میان ارتفاعات در مواقع لزوم فراهم بوده است. با صعود به قله آثار دیوار ممتدی به طول حدود ۳۰۰ متر باقی‌مانده که ارتفاع آن در برخی نقاط به حدود ۲ متر و عرض آن نیز حدود یک متر و تماماً با سنگ و به‌صورت خشکه‌چین ساخته شده است. غار قهرمان در ۳/۲ کیلومتری شمال غرب استحکامات کوه عمر بر سینه کوهی کم ارتفاع ایجاد شده که برای دسترسی به آن باید از یک دیواره ۶ متری صعود کرد. بقایای اتاق‌ها، دیوارهای سنگی و آب‌انبار با آثار چندین لایه‌اندود دیده می‌شود. موضوع جالب در این غار وجود دو روزنه در گوشه اتاق بزرگ‌تر است که برای دیده‌بانی گشوده شده و غارنشینان از طریق آن امکان دید منطقه ماربین تا گردنه آب نیل و قله کلاه قاضی را داشته‌اند. به‌این ترتیب ساخت‌وساز ایجاد شده در غار را به‌منظور تقویت شبکه اطلاع‌رسانی قلاع و ارتباط با دیگر قلاع بوده است. استحکامات کوه عمر کوه و غار قهرمان در شمال غرب کوه آتشگاه هرچند آثار زیادی از ساخت‌وساز در خود ندارند اما در کنترل راه غرب و ارتباط با دیگر قلاع نقش مؤثر خود را ایفا کرده‌اند. به‌این ترتیب سه محل مذکور بر بخش وسیعی از رستاق جی و رستاق ماربین دید داشته و از موقعیت استراتژیک بالایی برخوردار بوده‌اند.

۷. نتیجه

اگرچه رودخانه زاینده‌رود، زمینه اصلی ایجاد سکونت در اصفهان را شکل داده بود اما در کنار آن وجود ارتفاعات و قابلیت‌های که پیشینیان برای آن‌ها در نظر گرفته بودند یکی دیگر از عوامل اصلی رشد مراکز

شهری در مرکز خوره اصفهان گردید. به‌ویژه این‌که توان استراتژیک ارتفاعات مذکور با ایجاد شبکه قلاع و استحکامات در آن‌ها و ارتباط میان این ساختارها به‌خوبی توانسته بود رستاق جی و رستاق‌های اطراف، شهرها و دیه‌های این محدوده را تحت کنترل داشته و امنیت نقاط مسکونی و راه‌های منتهی به مراکز جمعیتی را تأمین کنند. به‌این‌ترتیب رودخانه زاینده‌رود، موقعیت دشت اصفهان در مرکز ایران و ارتفاعاتی که این دشت را محصور کرده‌اند، عناصر هم‌پیوندی را تشکیل دادند که همه باهم زمینه‌ساز حیاتی پایدار و استقرار امن در اصفهان شده بودند. با ایجاد تغییرات در شاخصه‌های طبیعی مذکور از جمله احداث قلاع و استحکامات در ارتفاعات توان بالفعلی برای محدوده ایجاد گردید و اصفهان در ادوار مختلف به مهم‌ترین بخش سرزمین ایران و یا یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن تبدیل شد. بررسی منابع مکتوب و استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و تحلیل‌های GIS در کنار پیمایش ارتفاعات، توانست شناخت بهتری از کارکرد محوطه‌ها، منظر فرهنگی اصفهان، ایجاد کند و زمینه‌ای برای انجام مطالعات بیشتر در حوزه دیگر شهرهای ایران و نحوه کنترل و محافظت از آن‌ها فراهم آورد. همچنین از آنجایی‌که بررسی تصاویر ماهواره‌ای احتمال وجود چنین ساختارهایی را در دیگر کوه‌های اصفهان مشخص کرد می‌توان با مطالعات میدانی صحت این احتمال را آشکار و شناخت بیشتری از آثار ایجادشده در ارتفاعات و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و چگونگی محافظت از مراکز جمعیتی به دست آورد. بنا بر نتایج فعلی و همان‌طور که در نقشه‌ها و تصاویر مقاله دیده می‌شود تمامی قلاع و استحکامات اصفهان قابلیت این را داشته‌اند که در دوران قبل و بعد از اسلام مورداستفاده قرار بگیرند اما بنا بر دلایلی از جمله تغییر مرکزیت اصفهان از جی به یهودیه و یا راه‌های ارتباطی میزان اهمیت برخی از آن‌ها تغییر پیدا کرده است. با در نظر گرفتن موارد مطرح‌شده در مقاله انجام کاوش‌های باستان‌شناختی به‌طور حتم زوایایی دیگر از این محوطه‌های ارزشمند را در قبل از دوران اسلامی و ادوار مختلف دوران اسلامی آشکار خواهد کرد.

پیوست‌ها



عکس ۱: قلاع و استحکامات جنوب، جنوب غرب، غرب و دشت اصفهان از فراز قلعه کوه گورت. عکس از نگارنده



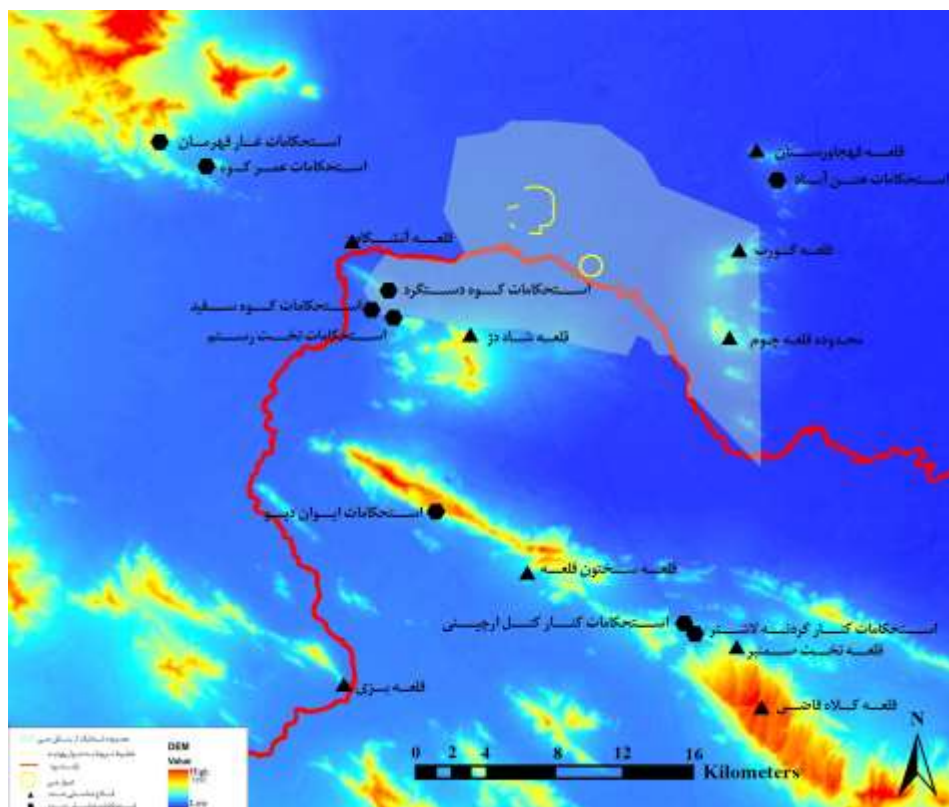
عکس ۲: منظره شهر اصفهان، مسجد جامع و منار علی از جلوی شکاف غار قنبر در کوه صفه. عکس از نگارنده



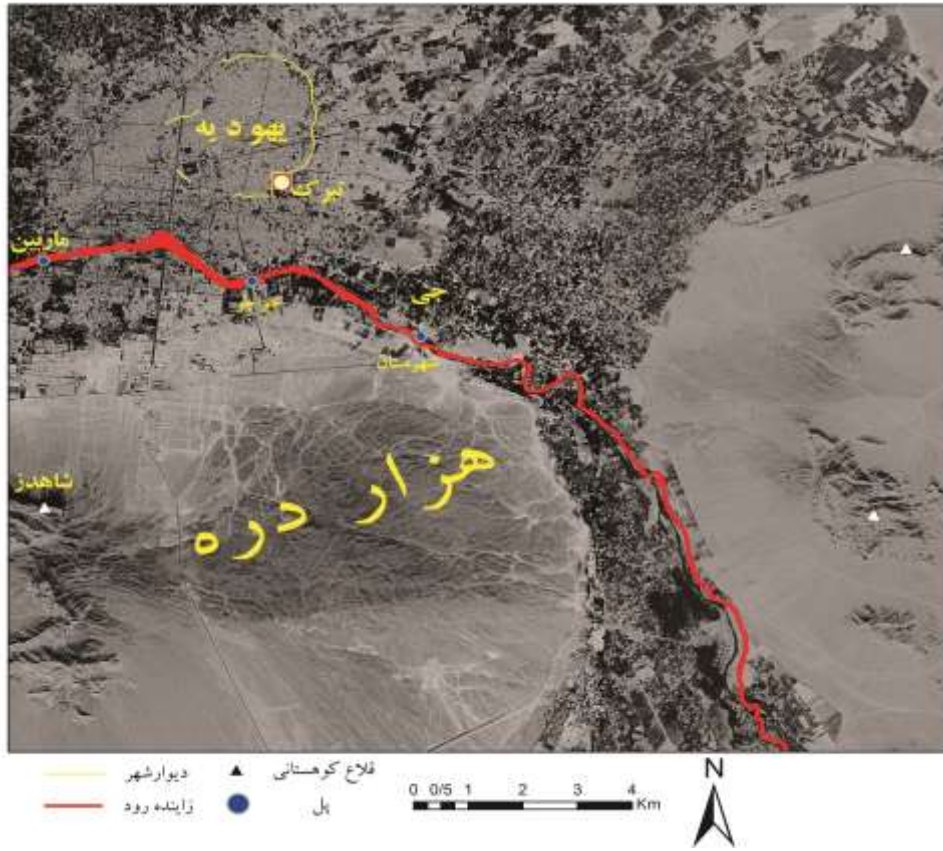
عکس ۳: دید بر کوه چوم و قله کله‌قندی گورت از قلعه کلاه قاضی. عکس از نگارنده



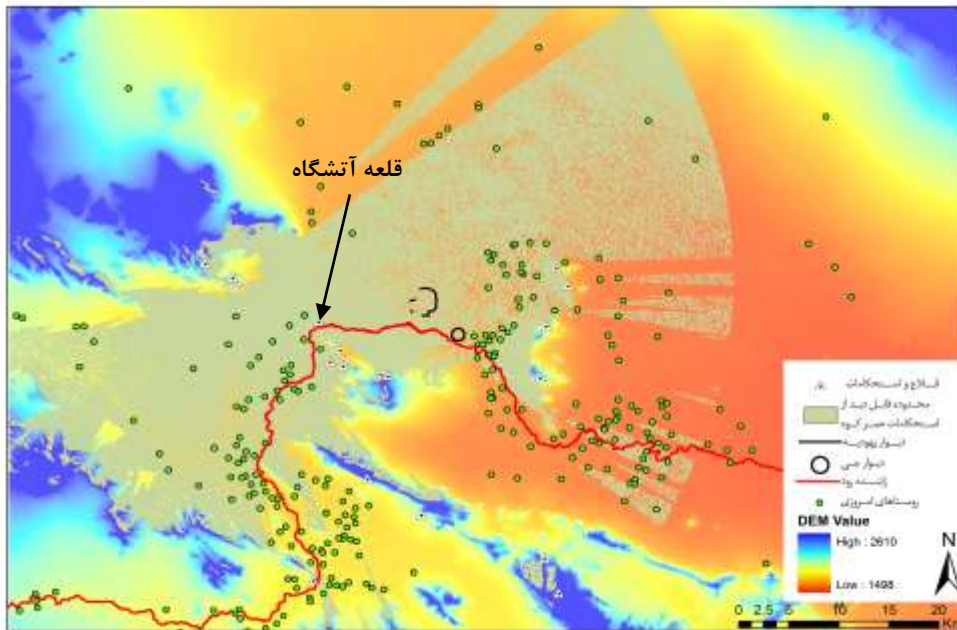
عکس ۴: قسمت مرکزی قلعه تخت صنمبر به عنوان که سالم‌تر از دیگر نمونه‌ها باقی مانده است . عکس از نگارنده



نقشه ۱: توپوگرافیک مرکز خوره اصفهان همراه با محل شهرهای جی و یهودیه در محدوده شماتیک از رستاق جی و قلاع و استحکامات کوهستانی مشرف بر رستاق جی و اطراف (نگارنده)



نقشه ۲: موقعیت قلعه شاه دژ و قلاع شرق اصفهان، شهرهای جی و بهودیه، پل‌های مارنان و شهرستان و تپه‌های هزاردره در عکس هوایی کرونا مربوط به سال ۱۹۶۰ میلادی. نگارنده



نقشه ۳: محدوده قابل دید از قلعه آتشگاه تا دورترین قلاع شناسایی شده. نگارنده

منابع

- ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الثالثة، ۲۰۰۱.
- ابن بلخی، فارس نامه، به کوشش لسترنج، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.
- ابن حوقل، ابی القاسم، *صورة الارض*، تصحیح ج. ح. کرامرز، لیدن، بریل، ۱۹۳۹.
- ابن خردادبه، *المسالك والممالک*، تصحیح دخویه، لیدن، بریل، ۱۸۸۹.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمان بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت، دار ابن حزم، ۲۰۰۳.
- ابن رسته، ابی علی احمد بن عمر، *الاعلاق النفیسه*، تصحیح دخویه، لیدن، بریل، ۱۸۹۲.
- ابن فقیه، *البلدان*، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۱۶.
- ابن قلانسی، *ذیل تاریخ دمشق*، تصحیح آمدروز، لیدن، ۱۹۰۸.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، مطبوعه دانشگاه، تهران، ۱۳۵۰ شمسی.
- ابودلف خزرچی، مسعربن مهلهل، *الرساله الثانیة*، نشر و ترجمه و تعلیق بطرس بولفاکوف و انس خالدوف، مسکو، ۱۹۶۰.
- ابی شیخ، امام ابی محمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان، *طبقات المحدثین باصفهان و الواردين علیها*، تحقیق عبدالغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۹ قمری، ۱۹۸۹ میلادی.
- ارباب اصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تأیید اصفهان و امیرکبیر تهران، ۱۳۴۰.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن محمد فارسی، *مسالك الممالک*، تصحیح دخویه، لیدن، بریل، ۱۹۲۷.
- ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، *بهمن نامه*، ویراسته رحیم عفیفی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- بکران، محمد بن نجیب، *جهان نامه*، به کوشش محمد امین ریاحی، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲.
- بلادری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، بیروت، دارو مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، *تاریخ بیهقی*، تصحیح و تعلیق محمد جعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران، سخن، ۱۳۸۸.
- تاورنیه، ژان باتیست، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران-اصفهان، سنایی-تأیید، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
- تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین خان پسر محمد ابراهیم خان، *تاریخ اصفهان جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- جعفری زند، علی رضا، *اصفهان پیش از اسلام*، تهران، آن، ۱۳۸۱.
- حافظ ابرو، شهاب الدین، *جغرافیای حافظ ابرو*، مقدمه تصحیح و تعلیق صادق سجادی، تهران، میراث مکتوب و بنیان، ۱۳۷۵.
- حافظ ابونعیم اصفهانی، *ذکر اخبار اصفهان*، دارالکتب اسلامی، بی‌جا، بی‌تا.
- حمزه اصفهانی، *تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء*، تصحیح سید جواد ایرانی تبریزی، برلین، کاویانی، ۱۳۴۰ قمری.
- دلواله، پیپترو، *سفرنامه*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، قطره، ۱۳۸۰.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، *راحة الصدور و آیه السرور*، به سعی و تصحیح محمد اقبال، با توضیحات مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- رزم آرا، علی، *جغرافیای نظامی ایران اصفهان و بختیاری*، تهران، چاپخانه ارتش، ۱۳۲۵.
- سروشیار (مظاهری)، جمشید، "آفریجگان-کژین"، *یغما*، شماره ۳۱۸، اسفند ۱۳۵۳، صص ۷۰۴-۷۰۳.
- سهیل کاشانی، میرزا عبدالرحیم ضرابی، "مرأة قاسان یا تاریخ کاشان"، به کوشش ایرج افشار، *فرهنگ ایران زمین*، ۱۳۳۴، شماره ۳، صص ۲۶۲-۱۰۵.
- سیرو، ماکسیم، "آتشگاه اصفهان"، ترجمه کلود کرباسی، *اثر*، زمستان ۱۳۶۹، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۲۰۲-۱۶۸.
- شاردن، ژان، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، طوس، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- شجاعی اصفهانی، علی، الف، "مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی اصفهان و جایجایی مرکز قدرت تا بر آمدن سلجوقیان" *نشریه علمی پژوهشی ایران‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره چهارم، شماره سه، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۷۶-۵۷.

- شفقی، سیروس، *جغرافیای اصفهان*، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱.
- صدرهاشمی، محمد، "بعد از حمله عرب به ایران"، *اداره کل فرهنگ استان دهم/اصفهان*، سال سوم، شماره ۱۷، ۱۳۳۶، صص ۲۳-۲۱.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، *تاریخ الرسل و الملوك*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، مصر، دارالمعارف، ۱۹۶۷/۱۳۸۷.
- طهرانی، سید جلال الدین، *گاهنامه ۱۳۱۲*، تهران، مجلس، ۱۳۱۲.
- ظهیرالدین نیشابوری، *سلجوقنامه*، به کوشش مؤرتن، کیب، ۲۰۰۴.
- عماد الدین اصفهانی، *تاریخ دوله آل سلجوق*، اختصار الفتح بن علی بن محمد، بنداری اصفهانی، بیروت، دارالافتاح الجدیدة، ۱۹۸۰.
- قاضی ابی یوسف یعقوب بن ابراهیم، *کتاب الخراج*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۰۲.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو، *سفرنامه*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار، ۱۳۸۷.
- قره چانلو، حسین، "بحثی کوتاه درباره بادها از دیدگاه دانشمندان اسلامی"، *دانشکده/الهیات*، بهار ۱۳۶۹، شماره ۴۹ و ۵۰، صص ۱۱۹-۱۳۹.
- کتبی، محمود، *تاریخ آل مظفر*، به اهتمام و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- کمالی زاد، ژاله، محمودآبادی، سید اصغر، رضایی، احمد، "بررسی تاریخی و باستان‌شناختی قلعه خان لنجان (قلعه بز) اصفهان"، نشریه مرمت، آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگ، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۳-۷۴.
- کوفی، ابن اعثم، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۱.
- مافروخی اصفهانی، فضل بن سعد بن الحسین، *محاسن اصفهان*، ترجمه حسین بن محمد بن علی رضا آوی، تصحیح عباس اقبال، اصفهان، شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵.
- مستوفی، حمدالله، *نزه القلوب*، تصحیح گی لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، *التنبیه والاشراف*، تصحیح دخویه، لیدن، بریل، ۱۸۹۳.
- مسکویه رازی، ابوعلی، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تحقیق سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ هجری، ۲۰۰۳ میلادی.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، تصحیح دخویه، لیدن، بریل، ۱۹۰۶.
- مهریار، محمد و دیگران، *اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار*، دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸.
- مهریار، محمد، *شاه دز کجاست*، اصفهان، سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۷۹.
- ناشناس، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- ناشناس، *عالم آرای صفوی*، به کوشش یدالله شکری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- ناشناس، *مجمل التواریخ و القصص*، تصحیح و تحشیه ملک الشعرا، بهار، تهران، اساطیر، ۱۳۸۹.
- نظام الملک طوسی، حسن بن علی، *سیرالملوک*، تصحیح دکتر محمد استعلامی، تهران، نگاه، ۱۳۹۰.
- ویلی، پیتر، *آشیانه عقاب قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۶.
- هولستر، ارنست، *ایران در یکصد و سیزده سال پیش*، تهیه و ترجمه محمد عاصمی، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.
- یاقوت حموی بغدادی، *معجم البلدان*، تصحیح فردیناند وستنفلد، تهران، اسدی، ۱۹۶۵.
- یعقوبی، ابن واضح، *البلدان*، تصحیح دخویه، لیدن، بریل، ۱۸۹۲.
- یوزو کچیان، ورتانس، *وصف بناهای مشهور اصفهان*، ترجمه لئون میناسیان، غزل و مترجم، ۱۳۷۷.
- ، *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
- ، *مختصر کتاب البلدان*، تصحیح دخویه، لیدن، بریل، ۱۸۸۵.
- ، "بررسی باستان‌شناختی قلاع و استحکامات اصفهان از منظر جغرافیای اداری از آغاز دوره اسلامی تا دوره صفوی" رساله برای دریافت دکتری در رشته باستان‌شناسی دوره اسلامی به راهنمایی دکتر هایده لاله، دانشگاه تهران، چاپ نشده، ۱۳۹۳.

- ، سلجوقنامه به انضمام ذیل سلجوقنامه ابوحامد محمد بن ابراهیم، تصحیح میرزا اسماعیل افشار و محمد رضانی، تهران، چاپ اول، اساطیر، ۱۳۹۰.
- ، خریدہ القصر و جریدہ العصر فی ذکر فضلاء اهل اصفهان، تقدیم و تحقیق عدنان محمد آل طعمه، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۷ شمسی.
- ، محاسن اصفهان، تصحیح جلال الدین حسینی طهرانی، تهران، مجلس، ۱۳۵۲ قمری.
- ، نزهة القلوب، تصحیح محمد دبیرسیاقی، قزوین، حدیث امروز، ۱۳۸۱.
- ، مروج الذهب و معادن الجوهر، محمد محیی الدین عبدالحمید، جلد اول و دوم، بیروت، چاپ پنجم، دارالفکر، ۱۹۷۳.
- Beaudouin, E. E., 1933. *Ispahan sous les grands chahs, XVIIe siècle, Urbanisme 10: 1-47.*
- Bell, J. Lange Lorenz, 1763. *Travels from St. Petersburg, in Russia, to diverse parts of Asia, Glasgow, Printed for the author by R. and A. Foulis.*
- Bruyn, Cornelis de, 1725, *Voyage au Levant, c'est-a-dire, dans les principaux endroits de l'Asie Mineure, dans les isles de Chio, Rhodes, Chypre, & c, de même que dans les plus considérables villes d'Egypte, Syrie, & Terre Sainte; enrichi d'un grand nombre de figures en tailedouce, Rouen, C. Ferrand.*
- Bulliet, R. W., 1994, *Islam: the view from the edge, New York, Columbia University Press.*
- Chardin, J., Langlès, L., 1811, *Voyages du chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient, enrichis d'un grand nombre de belles figures en taille-douce, représentant les antiquités et les choses remarquables du pays, Le Normant, Paris.*
- Golombek, L., 1974. *Urban patterns in pre-Safavid Isfahan, Iranian Studies 7 (1-2): 18-44.*
- Christensen, P., 1993. *The decline of Iranshahr: irrigation and environments in the history of the Middle East, 500 B.C. to A.D. 1500, Copenhagen, Museum Tusculanum Press: University of Copenhagen.*
- Durand-Guédy, D., 2010. *Iranian elites and Turkish rulers: a history of Isfahan in the Saljuq period, London; New York, Routledge.*
- Gemelli C., Giovanni F., Magliar A., 1699. *Giro del mondo del dottor d. Gio. Francesco Gemelli Careri, in Napoli, Nella stamperia di Giuseppe Roselli.*
- Genito, B.-S., Anaraki, F., 2011. *ADAMJI PROJECT From the excavation (1972-1978) to the archive (2003-2010) in the Masjed-e Jom'e, Isfahan, Tehran, Italian Embassy, Tehran Iranian Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization.*
- Kaempfer, E., 1712. *Amoenitatum exoticarum politico-physico-mediciarum fasciculi V, quibus continentur variae relationes, observationes & descriptiones rerum Persicarum & ulterioris Asiae multâ attentione, in peregrinationibus per universum Orientem, Lemgoviae, Typis & impensis Henrici Wilhelmi Meyeri.*
- Kamaly, H., 2004. *Four moments in the early Islamic history of Isfahan, Ph. D thesis, New York, Columbia Univ. Unpublished.*
- Minasian, C. O., 1971. *Shah Diz of Isma`ili fame: its siege and destruction, London.*
- Ragheb, Y., 2002. *Les messagers volants en terre d'Islam, Paris.*
- Siroux, Maxime, 1971, *Anciennes voies et monuments routiers de la region d'Ispahan, Caire, Institut francais d'archeologie orientale du Caire.*
- Stern, S. M., Beazley, E., and Dobson, A., 1971. *The fortress of Khān Lanjān, Iran, 9: 45-57.*
- Tafazzuli, A., 2000, *Sasanian society, New York; Winona Lake, Ind., Bibliotheca Persica Press; Distributed by Eisenbrauns, Inc.*